

# مادر به حرمت قرآن، قاتل پسرش را بخشید

در آهنی سالن اجرای حکم باز شد؛ متهم درحالی که پایبند داشت و دستانش بسته بود وارد شد. رنگ بر رخ نداشت و قرار بود لحظاتی دیگر طناب دار بر گلویش انداخته شود. متهم به حدی از دیدن طناب حلقه زده شده، شوک شده بود که حتی قادر نبود طلب بخشش کند. زبانش از کار افتاده بود و مات و مبهوت به زمین نگاه می‌کرد. معلوم بود خودش زودتر از بقیه به استقبال مرگ رفته... مادر و خواهر مقتول وارد صحنه شدند.

ناز خانم مادر سالخورده 2 دختر و 5 پسر است تا چشمش به متهم و طناب چوبه دار افتاد از هوش رفت و لحظاتی بعد وقتی به هوش آمد، رئیس اجرای حکم از او خواست خودش طناب مرگ قاتل پسرش را دور گردنش بیندازد که این بار با یک جمله، سرنوشت پسر جوان تغییر کرد. **مادر پیر گفت که او را به حرمت قرآن می‌بخشم...**

## غش کردن اعدامی

این جمله کافی بود که متهم نقش بر زمین شود. او حتی فرصت نکرد از مادر مقتول تشکر کند، آنقدر گیج شده بود که از هوش رفت و وقتی در بهداری به هوش آمد فهمید خداوند به او نظر کرده و زندگی تازه‌اش را مدیون بخشش مادر مقتول است.

## 12 سال قبل

پسر نانا که ۱۲ سال پیش در جریان درگیری، مرد جوانی را با چاقو به قتل رسانده بود پس از محاکمه، قضات دادگاه با توجه به درخواست اولیای دم، او را به قصاص نفس محکوم کرده بودند. روز محاکمه وقتی که قرار بود متهم پای چوبه دار برود هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کرد که مادر مقتول او را ببخشد.

رسیدگی به این پرونده از ۱۲ سال قبل از زمانی شروع شد که مرد جوانی که غرق در خون بود به بیمارستان ماهدشت منتقل شد.

اصغر ۲۵ ساله ساعتی بعد به‌رغم تلاش تیم پزشکی در بیمارستان، جان باخت و با مرگ او بود که بازپرس جنایی خودش را به بیمارستان رساند و کشف پرونده قتل مرد جوان در دستور کار کارآگاهان جنایی قرار گرفت.

## بازداشت قاتل فراری در مرز

نخستین تحقیقات جنایی نشان می‌داد که مقتول در جریان درگیری با فردی به نام فرید در محدوده مهدی‌آباد کرج مورد ضرب و شتم و اصابت چاقو قرار گرفته است که بعد از این ماجرا بلافاصله فرید از صحنه جنایت گریخته است. مأموران پس از تحقیقات میدانی و با تکمیل اطلاعات خیلی زود با دستور بازپرس متهم را تحت تعقیب قضایی قرار دادند. این متهم بعد از یک سال که قصد خروج از کشور را داشت در مرز شناسایی و دستگیر شد.

## اعتراف به قتل

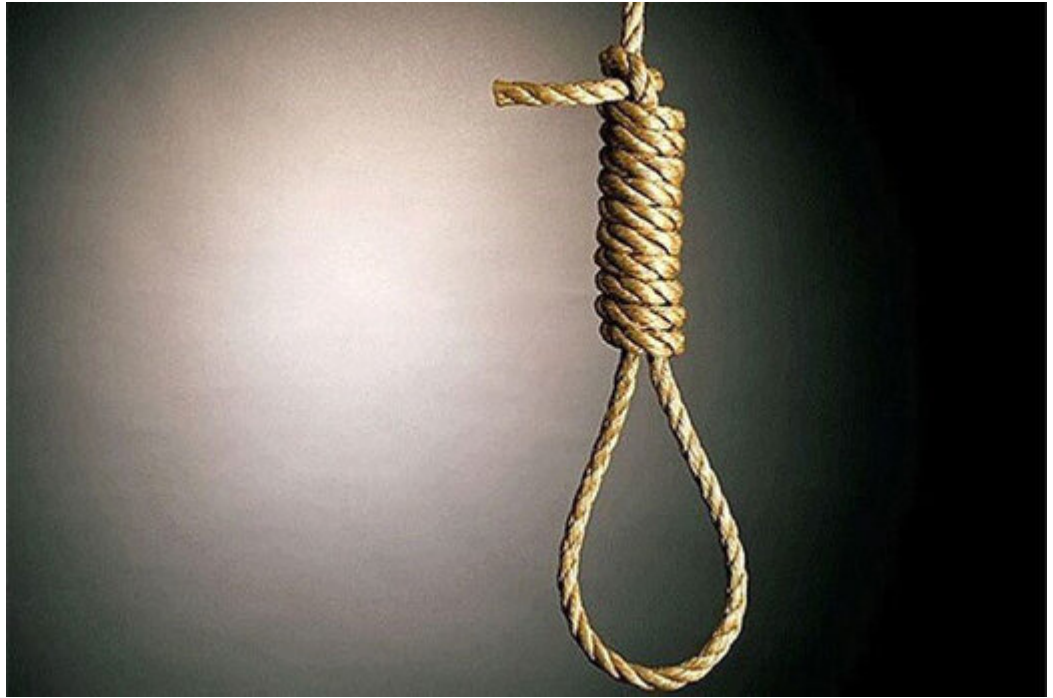
متهم در بازجویی‌ها بلافاصله به اتهامش اعتراف کرد و مدعی شد که در جشن عروسی با برادر مقتول باهم درگیری لفظی پیدا کردیم، من بیرون آمدم و به محله خودمان رفتم و وقتی با مرحوم روبه‌رو شدم دست به یقه شدیم و من ناخواسته به چاقویی که در جیب کتم داشتم ضربه‌ای به مرحوم زدم. راستش را بخواهید اصلاً به فکر کشتن مرحوم نبودم و این دعوا فقط به خاطر یک مشت حرف رخ داد.

بعد از اعتراف‌های متهم بود که وی به اتهام [قتل عمد](#) بازداشت شد و پس از صدور کیفرخواست از سوی دادسرای جنایی به اتهام قتل عمد پشت میز محاکمه ایستاد.

## در دادگاه چه گذشت؟

متهم از ندامتگاه کرج به شعبه یکم دادگستری البرز منتقل شد و در شروع جلسه رسیدگی به این پرونده، مادر قربانی جنایت پشت میز محاکمه ایستاد و در حالی که سیاه‌پوش پسرش بود از قضات دادگاه خواست قاتل فرزندش به قصاص محکوم شود. سپس متهم پای میز محاکمه ایستاد و به دفاع از خودش پرداخت و عنوان کرد که قصد کشتن نداشتم و فکرش را هم نمی‌کردم بخاطر یک درگیری بچگانه دستم به خون پسر جوان آغشته شود.

پس از دفاعیات متهم، قضات وارد شور شده و با توجه به درخواست قصاص اولیای دم و قتل عمد، متهم را به قصاص نفس محکوم کردند.



### بخشش پای چوبه دار

۱۲سال از مرگ مرد جوان گذشته بود و خانواده قاتل، تلاش‌های زیادی برای نجات فرید از قصاص انجام دادند. روزهای زیادی تا اجرای حکم باقی نمانده بود و خانواده قاتل باید آخرین تلاش خود را برای جلب رضایت اولیای دم می‌کردند. شامگاه یکشنبه گذشته، قبل از اجرای حکم، خانواده متهم برای گرفتن رضایت به خانه مادر مرحوم مراجعه کردند اما مادر مقتول راضی به رضایت نبود تا اینکه با یک کتاب قرآن وارد خانه شدند. مادر مقتول به حرمت قرآن آنها را به خانه‌اش راه داد آن هم بعد از ۱۲سال و گفت من این قرآن را از شما می‌گیرم و فردا در زندان درباره رضایت تصمیم خواهم گرفت.

### ماجرای درگیری از زبان خواهر مقتول

برادر بزرگ‌ترم به جشن عروسی رفته بود که قبل از پایان مراسم با متهم بر سر یک مشت حرف پوچ باهم اختلاف پیدا می‌کنند. متهم از تالار خارج شده و به محل می‌آید که اتفاقی با برادر کوچک‌تر من روبه‌رو می‌شود و با لحنی تند به مرحوم می‌گوید که تصمیم شومی درباره برادر بزرگ‌ترم دارد که درمقابل برادر کوچک‌ترم برای دفاع از برادرم با او درگیر می‌شود و متهم با چاقویی که در جیب کتش داشت باعث مرگ برادرم می‌شود.

این خواهر دلسوخته درباره رضایت مادرش گفت: از چند ماه پیش مادرم با دیدن سریال‌های تلویزیون که در آن خانواده مقتول از خون عزیزشان گذشت می‌کردند دلش نرم‌تر شده بود و این تأثیر زیادی در رضایت او داشت.

## تلاش تیم صلح و نجات برای نجات متهم

محسن اکبرپور مددکار سازمان زندان‌های استان البرز نیز گفت: متهم در 5 سال اخیر در جریان شرکت در کلاس‌های قرآن و آموزش مسائل فرهنگی تغییرات زیادی کرده بود که حاکی از متنبه شدن او بود. بر همین اساس او نیز در ردیف زندانیانی قرار گرفت که سعی کردیم برای رهایی او از قصاص پیشقدم شویم. خانواده مقتول نیز با صبر و بردباری متأثر از روحیه مذهبی، متهم را در لحظات آخر پای چوبه دار بخشیدند.

وی درباره شرط اولیای دم در مقابل رضایتی که مطرح شد، گفت: مادر مقتول بدون هیچ چشمداشت و هیچ شرطی از حق قصاص خود گذشت کرده است که این رضایت بسیار بزرگمنشانه و قابل تقدیر است.

\*معصومه مرادپور- ایران